

در تمنای یادگیری

جلوه‌هایی از زندگی و اندیشه‌های تربیتی
محمدرضا سرکارآرانی

سرشناسنامه:
عنوان و نام پدید آورنده:

مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:

مترجمان:
عنوان دیگر:

موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:

شناسه افزوده:
شناسه افزوده:
شناسه افزوده:
شناسه افزوده:
شماره بارزده:
زده در کشور:
بندی بین:
شماره کتابخانه ملی:

سرکار آرائی، محمدرضا، ۱۳۴۴ -

در تمنای یادگیری: جلوه‌هایی از زندگی و اندیشه‌های تربیتی محمدرضا سرکار آرائی / نویسنده محمد ناصری؛ زیر نظر سید محسن گل‌دانشاز؛ تدوین [و گردآورد] محمد دشتی، علی اصغر محمدی، فریبرز بیات؛ ویراستار افسانه حاجتی طباطبائی.

تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۹۵.
ص: ۳۰۴، مصور.
۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۰۱-۰۰۰

فیبا

ص. ۱۷-۸۴ یکصد و پنجاه سال زندگی... خاطره‌های کودکی و اندیشه‌های محمدرضا سرکار آرائی / محمد ناصری. - ص. ۸۵-۲۷۴، اندیشه. / [محمد دشتی، علی اصغر محمدی، فریبرز بیات].

جلوه‌هایی از زندگی و اندیشه‌های تربیتی محمدرضا سرکار آرائی.

سرکار آرائی، محمدرضا، ۱۳۴۴ -

مدرس - ایران - مصاحبه‌ها

College teachers -- Iran -- Interviews

مدرس - ایران - سرگذشته

College teachers -- Iran -- Biography

ناصری، محمد، ۱۳۲۵ -

گل‌دانشاز، سید محسن

دشتی، محمد، ۱۳۴۲ - ، گردآورنده

محمدی، علی اصغر، ۱۳۴۶ -

بیات، فریبرز، ۱۳۴۲ -

LB1W8/۴ س ۱۳۹۵

۳۷۸۱۲۰۹۵۵

۴۲۹۲۸۷۴



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

در تمنای یادگیری

جلوه‌هایی از زندگی و اندیشه‌های تربیتی محمدرضا سرکار آرائی

نویسنده یکصد و پنجاه سال زندگی: محمد ناصری

اندیشه (شامل هفت گفت و گو)

مدیرهم‌انگی: محبت ... همتی

تدوین شش گفت‌وگوی اول: محمد دشتی

گفت‌وگوی هفتم: علی اصغر محمدی، فریبرز بیات

ویراستار: افسانه حاجتی طباطبائی

طراح گرافیک: سید جعفر ذهنی

اعضای شرکت کننده در میزگردها و گفت و گو به ترتیب حروف الفبا:

امانی طهرانی، محمود	رستگار، طاهره	معینی، محمدحسین	ناصری، محمد
احمدی، آمنه	شیری، سیده فاطمه	مقدم، علیرضا	نفیسی، عبدالحسین
پورمحمد، بهناز	عطاران، محمد	ملک، شیبیا	نقی‌زاده، محرم
حشمتی، محمدرضا	علیزاده، هیوا	ملکی، صفری	نوراللهی، فرزانه
دشتی، محمد	گلزاری، زینب	منسوب بصیری، علیرضا	همتی، محبت ...

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: افست (سهامی عام)

سال انتشار: ۱۳۹۵

نوبت چاپ: اول

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۰۱-۰۰۰

فهرست

سخن ناشر / ۷

مقدمه / ۹

سال شمار / ۱۴

بخش اول

یکصد و پنجاه سال زندگی ... / ۱۷

بخش دوم

اندیشه

درس پژوهی، مدل بهسازی و اوم آموزش (گفت‌وگوی اول) / ۸۵

درس پژوهی

درس پژوهی، مدل بازاندیشی عمل و بازبینی پیش فرض‌های ذهنی (گفت‌وگوی دوم) / ۱۱۹

درس پژوهی

در جست‌وجوی زبان و فهم مشترک (گفت‌وگوی سوم) / ۱۳۵

برنامه‌درسی و برنامه‌ریزی درسی

وقتی نقطه‌عزیمت مشخص نیست، سودای ما چه می‌ماند؟ (گفت‌وگوی چهارم) / ۱۵۳

آموزش و توسعه

تربیت معلم در ایران و جهان (گفت‌وگوی پنجم) / ۱۷۵

به سوی تربیت معلم اجتماع محور

آموزش، صحنه‌پردازی یادگیری است (گفت‌وگوی ششم) / ۲۰۳

فناوری برای آموزش، چالش‌ها و چشم‌اندازها

به سوی تحول کیفی آموزش عالی (گفت‌وگوی هفتم) / ۲۳۵

کارکردهای دانشگاه

پیوست‌ها

تصاویر / ۲۷۵

کتاب‌ها / ۲۹۵

سخن ناشر

«اندیشه‌ورزان» زندگی بر فراز و نشیبی دارند؛ چه در گذار از واقعیت‌های ناخوشایند و تلخ زندگی و چه در روند حل مسئله‌های دشوار و بزرگی که در مقابلشان قرار گرفته است. این میان، داستان «اندیشه‌ورزی» آن‌ها خواندنی و درنگ و تأمل در آن‌ها، آموزنده و راهگشا است.

سیر و سلوک اندیشه‌ورزان در دریافتی از هوش از همان از حل یک مسئله، یا مواجهه با یک سؤال بزرگ و یا ریاضت‌ایی که در جست‌وجوهای مجاهدانه‌شان کشیده‌اند، دل‌پذیر است. این خردمند از روزگار اغلب زندگی عاشقانه‌ای داشته‌اند.

برای رسیدن به آمال و آرزوهایشان تلاش‌های جانانه کرده‌اند و به براتس از آرامش باطنی دست یافته‌اند.

در نظام تعلیم و تربیت ما نیز همچون سایر عرصه‌های علم و عمل، شده است «اندیشه‌ورزان» کم نبوده است. کسانی که در آثار و اندیشه‌هایشان بارقه‌هایی از خرد و روشننگری وجود دارد. امروزه نیز، شماری از آن‌ها که زندگی عاشقانه خود را در کلاس درس، در مقام پاسخ‌گویی به پرسش‌های بی‌پایان دانش‌آموزان، در هیاهوی گسترده رسانه‌های نوظهور، در توسعه شگفت‌انگیز ارتباطات و اطلاعات، در جست‌وجوی بی‌وقفه بازسازی و بهسازی آموزشی، در ریزه‌کاری‌های عمیق و ژرف رفتارهای کودکان و نوجوانان و در مدیریت‌های

خرد و کلان آموزشی و پرورشی و در همه لحظات اندیشه و تعمق در تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم می گذرانند، حرف هایی تازه برای گفتن دارند. در مجموعه ای که جلد نخست آن پیش روی شماست، برآنیم که نقش و اهمیت عمل و تجربه اندیشه ورزان در حوزه تعلیم و تربیت را مستندسازی کنیم.

بخش اول این سلسله کتاب ها، دربردارنده داستان زندگی آنهاست و در قالب روایت بیان می شود.

در بخش دیگر آنها تجارب این افراد را در عرصه های علمی و عملی بازتاب می دهیم. این بخش عمدتاً در قالب گفت و گو و میزگرد درباره موضوعات خاص دنبال شده است.

در این مجموعه، از بزرگانی سخن می گوئیم که در صحنه های خرد کلاس و مدرسه با صمیمیت و گرمی یادگیری کلان آموزش و پرورش نقش داشته اند و با آنها به گفت و گو می نشینیم.

اگر این مجموعه بتواند دریچه هایی از آگاهی را به روی خوانندگان خود بگشاید و تجارب زیسته شایسته یادگیری از بزرگان و نام آوران معاصر حوزه های نظری (دانش) و عملی (اجرایی و مدیریت و برنامه داری) آموزش و پرورش کشور را در اختیار این مهربانان قرار دهد، کامیاب بوده است.

آرزوی ماست که آموخته هایتان از این مجموعه، راه گشای شما در عرصه های پرفراز و نشیب زندگی باشد و شاهد کامیابی را در جام حیرت ان بریزد. چنین باد!

مقدمه

قدح چون دور من افتد به هشیان مجلس ده

مرا بگذار تا حیران بمانم چشم در ساقی

سعدی

برای آدمی آنچه در خلوت و جلوت ذهن یا گنجینه‌های تاریک و روشن دل می‌گذرد تا جایی که در قالب واژه‌ها جلوه نبرود و عشوّه نخرد، قابل کتمان است. بنابراین، از بررسی آگاهانه و نقد عمومی در میان می‌ماند و از خوانش‌ها، تعبیر، تفسیر و قضاوت‌های گوناگون دیگران و همانندسازی‌ای عینی و ذهنی به دور می‌ماند. اما وقتی با واژه‌ها و قالب‌های رایج زبان از پستوهای پنهان دل و ذهن خارج می‌شود و به تعبیر کارل پوپر به مثابه معرفت علمی در قالب «گزاره‌های عینی صورت‌بندی شده در زبان، فرضیه‌ها و مسئله‌ها» عرضه می‌شود، پدیده‌ای فراتر از انتظارات ذهنی است و می‌تواند موضوع پژوهش آگاهانه و انتقادی عمومی باشد و به‌طور طبیعی، این فرصت و بلکه حق را برای خوانندگانش فراهم سازد تا آن‌گونه که می‌خواهند یا می‌توانند، بخوانند، تعبیر یا تفسیر کنند. با بخش‌هایی از آن همانندسازی کنند، و در آن سفر زندگی خود را بیابند یا سفره دل خود را بگسترانند. به مثابه آینه‌ای خود را در آن ببینند و با خود سخن بگویند. با زبانی گشاده به نقد عمیق و بررسی دقیق

آن مشغول شوند، حتی تلاش کنند به سفیدی بین سطرها و آنچه در تنگنای زمین و زمان در قالب زبان نگنجیده است نیز با قدرت تخیل خود - آنچنان که می‌خواهند - لباس عینیت بپوشانند و هم‌زمان به قضاوت درباره آن بنشینند، به فرازاها و فرودهای آن دل بسپارند، و از آن به مثابه فرصتی برای روشنگری و تحلیل فرایندهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی آنچه به تصویر کشیده شده است، استفاده کنند.

پیشاپیش به همه آن‌ها خوشامد می‌گوییم!

طبیعی است که هر خواننده‌ای حق خود بداند این اثر را چگونه که می‌خواهد، بخواند. به این ترتیب، ممکن است جمله‌ها رنگ دیگری بگیرند، داشته‌ها قالب‌های متفاوتی پیدا کنند و نتیجه‌گیری‌ها یا پیام‌هایی بعضاً متنوع یا معکوس یا - بواسطه دست‌اندرکاران اثر به دست داده شود. با طیب‌خاطر به همه نقاشی‌هایی که - این اساس خلق خواهد شد، خوشامد می‌گوییم. آن‌ها را معتنم می‌شمار و در عین حال خرسند خواهیم بود چنانچه دست‌اندرکاران این اثر نیز در این راه به پاداش معنوی خود را دریافت کنند. به نظر می‌رسد رونق بازار اندیشه و ترویج آگاهانه آنچه در صفحات بعدی درباره آموزش و یادگیری به تصویر کشیده شده، به‌ترین هدف آن‌ها بوده است.

بضاعتی برای پیش‌گامی در این راه نداشت، باغچه‌ای بی‌شائبه، بردباری، پافشاری و تکرار تقاضای دوستان اسباب این جسارت بود. همی سعادت که دیگرانی نیز به صحنه‌پردازي گفت‌و شنود «اندیشه‌ورزان» خواهد آمد و بازار اندیشه در مهم‌ترین مسائل زیست‌فردی و اجتماعی ما - به‌ویژه آموزش و یادگیری - رونق خواهد گرفت.

پیشاپیش به هم‌سفران تازه خوشامد می‌گوییم.

اندیشه‌ورزان تصویری از تجربه زیسته «تمنای یادگیری» است! لازم است تشکر شود از عزیزان و دوستان بسیاری که همیشه یار و همراه این تمنا بوده‌اند! همه همراهان دیار‌گزینی ما، آران و بیدگل! طبیعتی که آن‌قدر ستاره‌ها را به

ما نزدیک کرده است که از کودکی همه‌گاه جسارت کرده‌ایم تا دستانمان را برای گرفتن آن‌ها به سوی آسمان بالا ببریم! به ما یاد داده است که سر در آسمان داشته باشیم و در همه حال، محو تماشای شگفتی و حشمت ستاره‌ها شویم! و همواره در مقابل عظمت آسمان، سپاسگزار و در برابر عسرت زمین آن قانع باشیم!

خداوند بزرگ را برای این همه لطف سپاسگزارم. بیش از همه، شاکر عطای ذی‌قیمت «حیرانی» او هستم. دعای «رب زدنی تحیراً» زمزمه‌ای عاشقانه است که بسیار دوست می‌دارم و در ازدحام بازار ایده‌ها و داده‌ها و اندیشه‌ها، این پیام از مولانا را همه‌گاه به خاطر داشته‌ام:

زیرکی بفروش و حیرانی بخور!

همه خوبی‌ها و آموختن‌های خداده، به‌ویژه پدر حکیم و مادر حلیم خود که خداوند او را در جوار رحمتش میهن کند، همسر عزیز و والدین محترم ایشان، دخترم، خواهران و برادران، بستگان نانی و سببی، همه عزیزان نزدیک و دور، معلمان، دوستان و همه اهالی گرم، قانع بر بار و سخت‌کوش کویرم! همه معلمان، دوستان، همکاران و دانشجویان و همرازان و استادان علوم جدید و قدیم در حوزه و دانشگاه در شهرستان‌های تهران و بیدگل، کاشان، و همه ایران به‌ویژه استان اصفهان، شهرستان‌های قم، تهران و یزد. همه مدیران و همکاران آموزشی، پژوهشی، سازمانی، دانشگاهی و حوزوی، دانش‌پوینانم در همه جای ایران زمین و حالا جهان! سپاسگزار همه دوستان ایرانی خارج از کشور، دوستان و همکاران و راهنمایان غیر ایرانی، به‌ویژه ژاپنی‌ها! و سپاسگزار همه آن‌ها که در سراسر جهان مرا با بزرگواری پذیرفتند و صحنه‌پرداز یادگیری و رشد و توسعه ایده‌هایم شدند.

از همه دوستان بلندهمت و سخت‌کوش «اندیشه‌ورزان» سپاسگزارم! شمع می‌برافروختند و در دل‌ها آتشی به پا کردند و با سخت‌کوشی قابل تحسینی «غریبی از غربت» را به این آتش افکندند! او را هیزم شمع می‌برای روشنایی

کردند و بردباری بسیار نمودند تا «طالب روشنایی» را موضوع تأملات خود و دیگران کنند و گزاره‌های عینی صورت‌بندی شده‌ او در زبان، فرضیه‌ها و مسئله‌ها را در پیش‌خوان نقد عمومی قرار دهند؛ شاید بازار اندیشه در بینش و کنش تربیتی رونق بیشتری گیرد! زهی سعادت برای «غلام قمر»! کسی که همه عمر «در تمنای یادگیری» است و ان‌شاءالله خواهد بود و رجاء واثق دارد که این اثر و نقد عمومی آن نیز در این راه دستیار باشد و به غنای آن بیفزاید. از همه همکاران شرکت‌کننده در گفت و شنودها، دوستان داخل و خارج کشور که با نگاهی ژرف دست‌نوشته‌های اولیه این اثر را به کرامت مطالعه و راهنمایی‌های اصلاحی ارزشمندی ارائه دادند، همکاران بخش آماده‌سازی گفت و شنودها، بخش‌های فنی چاپ و نشر، ویراستار محترم و همه عزیزانی که در این راه راه‌اندیشه و عمل همراهی کردند و از این پس، با نقد آگاهانه آن یاوران خواهند نمود، سپاسگزارم.

مجموعه «اندیشه‌ها» را «ان» به گفت و شنودهایی درباره آموزش و یادگیری رونق می‌بخشد و می‌کوشد در دل جوان‌ترها بذر امید بیفشاند، به میان‌سالان یادآوری کند که «اندیشه» ای باید! و به سالمندان هشدار دهد که به سوسوی چراغی در انتهای تونل بی‌جهت دلخراش نباشند؛ چه بسا چراغ قطار راه حل‌های دیروز باشد که به مثابه مسئله‌ای تازه به سرعت به وضع موجود نزدیک می‌شود!

راه حل‌ها در درون مسئله‌ها نهفته‌اند! اندیشه‌ای باید! نسخه‌های بیرونی اغلب تجربه‌ای به همراه دارند ولی همیشه نسخه درمان نیستند! تجربه یکصد ساله ما نشان می‌دهد که بعضاً «پزشکی بدون درمان‌اند»! جهدی و اندیشه‌ای از درون لازم است. ایران زمین دست کم یکصد سال است که در تکاپوی فهم غصه عقب‌ماندگی و قصه توسعه است!

اندیشه‌ای باید! چگونه آیا و کی؟

«ز سحر خبر ندارم»!

«در تمنای یادگیری» را صفحه به صفحه بخوانیم؛ شاید روشنائی شمع دوستان و نوری که بر نماهایی از «زندگی سراسر حل مسئله» «غریبی در غربت» می‌اندازد، بهانه‌هایی بسرای تأمل و سایه روشن‌هایی برای کندوکاو و نقد آگاهانه آموزش و یادگیری فراهم سازد! شاید!

محمدرضا سرکارآرانی

دانشکده تحصیلات تکمیلی علوم تربیتی و

توسعه انسانی

دانشگاه ناگویا، ژاپن